



درویش علیپور
کارگردان

تولید کار برای کودک را نباید ساده‌انگارانه دید

در فرایند انتخاب بازیگران سریال «آرزوهای چپکی»، از ابتدا همین ترکیب مدنظر بود یا در ادامه شکل گرفت؟

ایده و نگارش فیلمنامه «آرزوهای چپکی» در بطن همان مراحل ساخت سریال «لالایی» شکل گرفت. از ابتدا در ذهن‌مان این بود که تولید فصل دوم «لالایی» بدون وقفه ادامه پیدا کند. به همین دلیل با برخی از بازیگرانی که در «لالایی» با ما همکاری داشتند، به توافق رسیدیم که این همکاری ادامه‌دار باشد. در کنار آن بازیگران جدیدی هم به مجموعه اضافه شدند تا تیم کامل‌تری شکل بگیرد.

شما سال‌هاست با داریوش فرضیایی همکاری می‌کنید. این همکاری در طول زمان چگونه تحول یافته است؟

دیگر نمی‌شود اسمش را گذاشت همکاری؛ این رابطه در واقع بعد از بیست‌وسه‌چهار سال تبدیل به برادری شده است. رابطه‌ای بر پایه احترام و اعتماد متقابل که چه در برنامه‌های زنده سال‌های گذشته و چه در کارهای نمایشی تلویزیونی و سریال‌های اخیر شبکه نمایش خانگی، بسیار خوب و حرفه‌ای پیش رفته است. تعامل ما باعث یک هم‌افزایی واقعی شده و به دلیل شناخت عمیقی که از هم داریم، این رابطه صمیمانه روند کار را بسیار ساده‌تر می‌کند. برای من این تجربه کاملاً خوشایند است.

انتخاب سروش کریمی‌نژاد برای ایفای نقش جهان‌افروز در سریال، تصمیمی غیرمنتظره بود. چرا او را برگزیدید و نگران ریسک این انتخاب نبودید؟

همکاری من با آقای کریمی‌نژاد در پروژه «کلبه عموپورنگ» آغاز شد؛ جایی که او به‌عنوان طراح حرکت، حرکات موزون مورچه‌ها را طراحی می‌کرد. در طی هشت ماه کار مشترک، گفت‌وگوهای زیادی درباره بازیگری داشتیم. با توجه به تجربه تئاتری ایشان، به این نتیجه رسیدیم که می‌توانم از استعدادش در یکی از پروژه‌ها استفاده کنم. به همین دلیل بود که برای نقش جهان‌افروز او را انتخاب کردم. این انتخاب برای من ریسک محسوب نمی‌شد چون بر پایه شناخت انجام شد. البته در همه کارهای هنری احتمال فاصله میان تصور و نتیجه‌نهایی وجود دارد، اما خوشحالم که با وجود شروع تازه بخش سریال، بازخوردهای بسیار خوبی از این انتخاب دریافت کرده‌ام.

شخصیتی که در «آرزوهای چپکی» بازی می‌کنید، چقدر به خود واقعی‌تان نزدیک است؟
خیلی زیاد. من در واقع همان پاداش هستم! پرانرژی، بازیگوش، کنجکاو... من نمی‌توانم آرام بنشینم. تمام وجودم پر از حرکت است.

بازخورد مخاطبان به این مجموعه چطور بوده؟
خیلی خوب. همین حالا هم پیام‌هایی دریافت می‌کنم که نشان می‌دهد بچه‌ها و خانواده‌ها با این مجموعه ارتباط برقرار کرده‌اند. این برایم ارزشمند است.

نقش «پاداش» را چطور انتخاب کردید؟ آیا این نقش ادامه‌ای بر کاراکترهای قبلی شماست؟
نه، این مجموعه ادامه «لالایی» نیست، گرچه ممکن است برخی این‌طور فکر کنند. پاداش یک شخصیت مستقل است؛ ساده، بامزه، بازیگوش، اما کاربلد. او بلد است چطور مسائل را حل کند.

شما و امیرمحمد سال‌هاست با هم کار می‌کنید. همکاری‌تان همچنان پرانرژی به نظر می‌رسد. واقعاً همین‌طور است؟

بله، واقعاً همین‌طور است. اگر حال ما کنار هم خوب نباشد، نمی‌توانیم حال خوب را به مخاطب منتقل کنیم. همه اعضای گروه ما سر جای خودشان هستند، به هم اعتماد داریم و هیچ‌کس قرار نیست بیشتر از دیگری دیده شود.

در پایان، اگر بخواهید با مخاطبان‌تان، به‌ویژه کودکان و نوجوانان طرفدارتان حرفی بزنید، چه می‌گویید؟

می‌گویم اگر روزی خواستید از من انتقاد کنید، یادتان بیاید چه لحظاتی را برایتان ساخته‌ام. من همیشه تلاش کرده‌ام برای کودکان مفید باشم، کمک‌شان کنم درست رشد کنند. حمایت از کار کودک یعنی حمایت از کودک آینده.

ویک جمله برای مادران؟

مادر، خیلی دوست دارم. امیدوارم همیشه از من راضی باشی و بتوانم پسر خوبی برایت باشم.

سوزه اصلی سریال، یعنی بی‌علاقگی به ریاضی، ریشه‌ای شخصی هم داشت؟

جالب است بدانید که نه تنها از ریاضی بدم نمی‌آمد، بلکه اتفاقاً خیلی هم به آن علاقه‌مند بودم. در دبیرستان رشته‌ام ریاضی - فیزیک بود و همسرم هم همین‌طور. تحصیلات او در زمینه نرم‌افزار است. اما موضوعی که ما را به فکر انداخت، بی‌علاقگی پسرمان به درس ریاضی بود. این عدم علاقه در میان دوستان و هم‌کلاسی‌هایش هم خیلی شایع بود. از خودمان پرسیدیم که آیا مشکل از ماهیت ریاضی است یا از شیوه آموزش؟ این دغدغه باعث شد که آن را به‌عنوان محور اصلی سریال انتخاب کنیم و با همکاری برادرم که نویسنده سریال است، داستان را بر این اساس بنا کنیم.

نسل امروز کودکان و نوجوانان در معرض الگوهای متنوع جهانی هستند. شما چگونه تلاش کردید این نسل را جذب سریال خود کنید؟

در دنیای امروز، بچه‌ها به آسانی به طیف وسیعی از اطلاعات و مدل‌های رفتاری دسترسی دارند. در این شرایط، ما باید تلاش کنیم که هم‌پای تحولات باشیم. طی بیست و چند سال گذشته همیشه تلاش کردیم خودمان را به‌روز نگه‌داریم و از امکانات بهتر در آثار کودک و نوجوان بهره ببریم. احساس کردیم که بعد از تجربه برنامه‌های زنده، شاید بتوانیم در فضای نمایشی ارتباط بهتری با بچه‌ها برقرار کنیم. رنگ و لعاب و فانتزی همواره در آثار من حضور داشته و به نظر می‌رسد که بچه‌ها با آن ارتباط خوبی برقرار می‌کنند. از هوش مصنوعی در اتومبیل پاداش گرفته تا ایده‌آل‌های شخصیت جهان‌افروز، همه چیز در راستای تعامل با ذهن نسل امروز طراحی شده است. حتی نام سریال هم به این دغدغه اشاره دارد که آیا این آرزوها واقع‌گرایانه‌اند یا چپکی؟

با توجه به استقبال از انیمه‌های شرقی، شما چه راهکاری برای رقابت و جذب مخاطب کودک و نوجوان ایرانی پیشنهاد می‌دهید؟

من معتقدم بچه‌ها کار باکیفیت را در هر قالبی تشخیص می‌دهند. اگر برای آن‌ها از امکانات خوب، قصه‌های حساب‌شده، سخت‌افزار و نرم‌افزار به‌روز

استفاده کنیم و تمام جزئیات را جدی بگیریم (از گریم و لباس گرفته تا نور و جلوه‌های ویژه) می‌توانیم آن‌ها را جذب کنیم. نباید به این بهانه که داریم برای کودک کار می‌کنیم، تولید را ساده‌انگارانه پیش ببریم. موضوعات هم باید به‌روز باشند. من وقتی از علاقه‌نداشتن به ریاضی در سریال صحبت می‌کنم، به دغدغه واقعی و ملموس بچه‌های امروز می‌پردازم. هدف‌مان این بود که جهانی بدون ریاضی را به تصویر بکشیم تا ارزش علوم پایه را نشان دهیم.

آیا پلتفرم‌های نمایش خانگی دغدغه تولید برای کودک و نوجوان دارند؟

در دو فصل پیوسته سریال‌های «لالایی» و «آرزوهای چپکی» که برای نمایش خانگی ساخته شدند، پلتفرم فیلمو حمایت بسیار خوبی از ما کرد. اگر دغدغه‌ای وجود نداشت، قطعاً چنین حمایتی صورت نمی‌گرفت. در سال‌های گذشته هم با پروژه‌هایی مانند «عمو پورنگ» در سال ۱۳۹۰ و «بالش‌ها» در سال ۱۳۹۶ در این فضا تجربه‌هایی داشتیم. شاید نتوان گفت که همه پلتفرم‌ها چنین دغدغه‌ای دارند، اما در مورد فیلمو، این دغدغه ملموس و سازنده بوده است.

کار در شبکه نمایش خانگی برای گروه سنی کودک و نوجوان چه سختی‌هایی دارد؟

وقتی در بخش خصوصی کار می‌کنید، بازار تعیین‌کننده است. گروه سنی کودک و نوجوان، مخاطب هدف محدودتری دارد، بنابراین بازار کوچک‌تر است و ریسک سرمایه‌گذاری بالاتر می‌رود. همچنین در تولید محتوای کودک، بسیاری از عناصر جذاب درام مانند عشق، خشونت یا جرم قابل استفاده نیستند. همین موضوع ایجاد جذابیت را دشوارتر می‌کند. از سوی دیگر، باید از نظر روانشناسی و تربیتی هم محتوایی سالم، هدفمند و به‌روز ارائه بدهید که این کار را بسیار پیچیده‌تر و پرمسئولیت‌تر می‌کند.

و در پایان، اگر بخواهید نکته‌ای جمع‌بندی‌کننده بگویید، چه خواهد بود؟

اول از همه از شما تشکر می‌کنم که این فرصت را فراهم کردید. نباید فراموش کنیم که در سبد فرهنگی کشور، مخصوصاً برای نوجوانان، کمبود شدیدی وجود دارد. یک سریال به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای عظیم این گروه سنی باشد. نوجوانان ذهن‌های جستجوگری دارند و همواره در حال یادگیری‌اند. ما باید هم‌زمان با افزایش تولید، کیفیت آثار را نیز ارتقا دهیم. اگر تولیدات فرهنگی را با دقت، تعهد و شناخت درست از مخاطب پیش ببریم، می‌توانیم تأثیرگذارتر و مفیدتر باشیم.